



مقدمه

سینمای جنگ، بستری بکر و پر بار

چهارچوب‌ها و قراردادهای اجتماعی. کاربرد صحیح معیارهای جنگ در هنر سینما، توفیقی است که دستیابی به آن سهل و آسان نیست. سینماگر باید با بهره‌گیری از اصول و قواعد سینمایی و تسلط به فرهنگ تأثیرگذار جنگ در این عرصه فعالیت کند و متعهد و معتقد، عظمت و ارزش جنگ و جنگاورانش را به تصویر کشد.

شاید بعضی فکر کنند که بحث درباره سینمای جنگی تازه که نیست، هیچ بیات هم شده باشد؛ اما چنین نیست. البته پیش از آنکه این بحث‌ها راه بیفتند، سینمای جنگ، خود تکلیف خویش را معین کرده و جایگاه ارزشمند اجتماعی آن بر همگان آشکار شده است. با این اوصاف لازم می‌آید تا در پرداختن به آن دقت نظر و وسواس بیشتری بکار رود و از خطراتی که این نوع سینما را مورد تهدید قرار می‌دهد، دوری جست. کلیشه و تا حدودی گیشه از این گونه‌اند. طرح سوژه‌های مشابه در فضای جنگ جز تکرار مکررات چیزی در بر ندارد و این آیدمی خطرناکی است که نه تنها سینمای جنگی بلکه سینمای این مرز و بوم همیشه از آن رنج برده است. در اینکه هر سینماگر از دیدگاه شخصی به رویدادهای پیرامون خود می‌نگرد شکی نیست. این مسئله که در سینمای جنگی همه چیز با حضور جنگ تبلور می‌یابد نیز به عنوان یک اصل غیرقابل انکار است. اما به جاست که با بکارگیری ذوق و اندیشه و تلفیق آن با دستمایه‌های جنگ در کنار علم زیبایی‌شناسی سینما، گفتنی‌ها را به گونه‌ای که بر دل نشیند و اثر تمام و کمال خود را بر ناخودآگاه ذهن بیننده بگذارد، مطرح سازیم.

دوربین هنرمند متعهد به جنگ، چشم بیداری است که لحظه‌ای از ثبت مجاهدت دلاوران عرصه پیکار غافل نمی‌ماند. با آن‌ها می‌ماند، می‌رزد و به نظاره مصاف کفر و ایمان می‌نشیند. او نیز همانند رزمنده با پاکی روح و جسم با به عرصه نبرد نهاده است. آنچه به تصویر می‌کشد در مقابل دوربینش جاری و پویاست. او به ثبت رنگ‌ها می‌نشیند، اما از میان همه آن‌ها اعتبار و غنای خویش را از تلاء لؤلؤ خون شهید بر می‌گیرد. در صحنه مصاف مبارزان شریک در پیکار است... با آنها می‌جنگد... به سجده می‌رود... از خاکریز سرک می‌کشد، بر تنش ترکش می‌نشیند و... شهید می‌شود...

سینمای جنگ هر چه دارد از دو خصلت ارزشمند خود دارد: نجابت در دیدار و صداقت در بیان.

حمید روزبهانی

«هنر باید راه آسمان را بنمایاند و بالی بلند پرواز باشد برای اعتلای روح و اگر این جنگ نیز چون دیگر جنگ‌ها درجه‌ای بوده جهنم سوزان «منشی و سفاکی روح بشر، سینما می‌باید که جانب انکار بگیرد و هویتی «ضدجنگ» بیابد.»

سینمای جنگ، سینمای یک فرهنگ است. سینمای شخص یا سبکی خاص نیست. سینمایی است که سال‌ها جنگ و مبارزه را سر لوحه همه امور خود قرار داده است و حال با تجربیاتی که از این پدیده سیاسی و اجتماعی کسب کرده، با راهی روشن‌تر و عزمی جزمتر در ادامه مبارزات خود می‌کوشد.

رسالت سینمای جنگ در حفظ ارزش‌های فرهنگی، محتوی و رزمی جنگ و یادآوری دلاوری‌ها و تلاش رزمندگان است؛ تا این حماسه‌های پرشور و افتخارآفرین به فراموشی سپرده نشوند. تأکید بر جنایات و فجایعی است که در طول سال‌ها مبارزه، از سوی دشمن و هدایت قدرت‌های شرق و غرب بر ملت ستمدیده ما اعمال گشته است.

سینمای جنگ، تجلیل از سلحشورانی است که در میدان نبرد، جان شیرین خود را در راه معبود و معشوق خود نثار کرده‌اند. سرداران، فرماندهان و حماسه آفرینانی که با دلیری‌های خود راه حصول پیروزی را هموار کردند. زنده نگاه داشتن ایده‌آل‌ها و آرمان‌ها، یکی دیگر از رسالت‌های سینمای جنگ است که مردم در طول نبرد برای دستیابی به آن‌ها از همه چیز خود تا پای جان مایه گذاشتند. انتقال فرهنگ جبهه و جنگ و اشاعه روحیه ایثار و سلحشوری در میان اقشار ملت برای جلوگیری از برخی معضلات و منکرات اجتماعی، ذره دیگری است از این بیکران.

سینمای جنگ، بستری بکر و پرباری است که می‌تواند حاکم بر سینمای ما باشد. سینمایی صحیح و اصولی، هماهنگ با



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پرو، شہ گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی